



همراه با پنج شرکت عضو پارک علم و فناوری در اهواز کنسرسیومی تشکیل دادیم که در آن، در حوزه اتوماسیون تجهیزات نوین شبکه‌های انتقال آب فعالیت می‌کنیم. جوری که الان مدرن‌ترین سیستم‌های انتقال آب جهان را توانستیم مهندسی معکوس کنیم. از سال ۹۶، دریچه‌های هوشمند الکترونیکی را توی کشت و صنعت امام خمینی، طراحی کردیم و ساختیم. سومین شرکت در سطح جهان بودیم که توانستیم با موتور دوازده ولت DC و سلول خورشیدی، دریچه‌های اصلی کانال‌های انتقال آب - با عرض دو و نیم متر و ظرفیت هجده مترمکعب بر ثانیه - را از طریق وب اتوماسیون کنیم. گام بعدی که شروع کردیم، از دریچه‌های هوشمند آمدم روی ایستگاه‌های پمپاژ کارکردیم. این مرحله، مرحله بعدی طرح جامع اتوماسیون ما است. توی این طرح، سیستم‌هایمان علاوه بر مانیتورینگ، حفاظت کامل از ایستگاه‌های را هم انجام می‌دهند. ما با این کار فشار، کیفیت آب و پمپ‌ها را می‌سنجیم و

توانسته، راهی پیدا کند تا آب‌شور در دشت‌ها را برای آبیاری گیاهان استفاده کنیم.

شاخک‌هایم تیز شد. چند ثانیه‌ای نفهمیدم چه می‌گوید. رفتم توی سفرهایم به مناطق تنش آبی. در پایین دست کرخه. جایی که آب‌شور از پایین دست کارخانه‌های نیشکر می‌رود و می‌ریزد توی دریا و زمین‌های جلگه خوزستان برای آب لوله می‌زنند. دوباره حواسم جمع صحبت‌هایم شد. داشت می‌گفت با یک شرکت صحبت کردیم و تا دم قرارداد رفتیم که آبیاری چمنش را با این روش انجام دهیم. همه مراحل کار هم طی شده بود و خودشان هم تأیید کردند اما آخرسر زدند زیر کار و گفتند: «ما خودمون مشاور داریم و نمیتونیم با شما قرارداد ببندیم.» از تضمین کارشان پرسیدم که تضمین داد درج‌های دیگر جهان انجام شده و شرکتشان توانسته تکنولوژی را بومی‌سازی کند اما کسی پای کارشان نمی‌آید، حتی شده به قیمت چند صد متر زمین. توی ذهنم هزارتا سؤال می‌رفت و می‌آمد. می‌گفت می‌توانیم از هدر رفت تمام آب جلوگیری کنیم بدون اینکه بخوایم تصفیه‌خانه بزنیم تا چیزی را از آب جدا کنیم. تازه کود هم به آب اضافه می‌شود. اینجا پیش دیگر درد داشت. با این ظرفیت آب و زمین در خوزستان به خاطر منفعت‌طلبی یک مسئول چقدر فرصت‌ها به هدر می‌رود. با دکتر نیکخواه هم حدود بیست دقیقه صحبت کردم. امیدوار بود از این جلسه چیزی دربیاید. می‌گفت امیدوارم اینجا دیده شویم.

اما میز سومی میز شرکت آب راه صنعت کارون بود. مدیر شرکت مثل دو نفر قبل یک جوان سی و چندساله با لب‌خندی صمیمی بود. وقتی خودش را معرفی کرد گفت: «دیاحسین هستم.» اسمش را قبلاً شنیده بودم. دوست داشتم برارم از کار بگویم. گفت و من حالا برای شما اینجا می‌نویسمش: ما شرکت آب راه صنعت کارون هستیم.

”

سومین شرکت در سطح جهان بودیم که توانستیم با موتور دوازده ولت DC و سلول خورشیدی، دریچه‌های اصلی کانال‌های انتقال آب را از طریق وب اتوماسیون کنیم.